«شهروند» آثار حضور دستفروشان در اقتصاد را از نگاه پژوهشگران اقتصادی بررسی می کند

بدو بدو حراجش کردیم

وقتی رشد اقتصاد به پای رشد جمعیت نمی رسد

عکس: ایرنا

علی اکبرزاده - شهروند| تصویر آشنایی دارد؛ دمودمتر پارچه بر روی زمین انداخته و خیال دارد از همان گوشه خیابان به آرزوهایش برسد. تمام دارایی‌اش را به روسری‌های رنگی تبدیل کرده و با این که می‌داند رقابت سختی با مغازه‌داران و دیگر هم‌صنفانش دارد، تلاشش را می‌کند. روسری‌های رنگی را در هوا می‌چرخاند، صدایش را در گلویش می‌اندازد و برای به دست آوردن سهمی از بازار شلوغ شب عید تلاش می‌کند. به خیالش قیمت‌های او رقیب ندارد، اگرچه اجتماعش ضعیف و بی‌کیفیت هستند اما معتقد است اینها هم خریداران خودش را دارد. در سرمای خفیف روزهای آخر زمستان به بهار می‌اندیشد و روزهای نو. تا شاید سال دیگر کلید شانسش در قفل سرنوشت بچرخد و از میان ده‌ها فرم استخدامی و سفارش به دوست و آشنا، شغلی در حدو اندازه خودش بیابد. او دستفروش است و حالا انتظارش از دنیا تنها در حد یک شغل ثابت و ایرومندانه است. در خواستی که اگر چه برای خیلی از هم‌سن و سالانش هم فراهم نشده است اما او را از پا نینداخته و برای گذران روزوشبش به کنار خیابان کشانده است. در واقع پدیده دستفروشی عمدتا به دلیل ناتوانی اقتصاد در ایجاد شغل‌های مولد، غیرکلاف و جذب نیروهای آماده به کار شکل می‌گیرد.

خوب باید زشت باز بماند دستفروشان در کنار ما هستند. برخی روزها بازارشان سکه است و برخی روزها غیبشان می‌زند. آنها اما تمام‌قد در اقتصاد ایران حاضرند و اثرات خوب و بدشان را به اقتصاد و اجتماع تزریق می‌کنند برای بررسی بیشتر این پدیده کار را به دست کاردان می‌سپاریم و از پژوهشگران اقتصادی فعال در زمینه فقر و اقتصاد توسعه بهره می‌بریم. در این گزارش قرار است آنان لایه‌های زیرین چهره دستفروشی را برایمان تشریح کنند. نقش دستفروشان در اقتصاد خرده‌فروشی، لزوم حضور این دسته از مشاغل، زیان دستفروشان در هرج و مرج اجتماعی و اقتصاد زیرزمینی دستفروشان از جمله موضوعاتی است که تحلیلگران و پژوهشگران در پاسخ به «شهروند» آن را به نقد می‌کشند.

دستفروشی حاصل عدم تناسب میان رشد جمعیت و اقتصاد

سپیده کاوه
پژوهشگر اقتصادی

بنا به تعریف، دستفروش به افرادی گفته می‌شود که اجناس عمدتا با پهای ناچیز را در سطحی روی زمین یا دکه چرخدار عرضه می‌کنند. اقتصاد در سایز قابل مقایسه بین کشوری با دکه‌ها و غرفه‌های کوچک نه رشد کرده و نه زیاد می‌شود. ولی بود و نبود همین بساط‌های ناچیز، قدرت رشد یا اضمحلال اقتصادها در مقیاس خرد خانوارها را دارد. اهمیت این موضوع در زندگی افراد به گونه‌ای است که حتی در برخی کشورها نحوه تعامل دولت با این طبقه کاری، بخشی از شعارهای انتخاباتی دولت‌ها را تشکیل می‌دهد. واقعیت این است که دوره‌گردی و خردفروشی نه از سر طمع و نه از سر سیری است. فقر، نیاز، سلامت اخلاقی، مناعت طبع همه و همه پیامهای غیرمستقیم حرفه دستفروشی است؛ افرادی که حداقل به راههای خلاف تأمین مالی روی نیاورده‌اند و بدین جهت قابل احترام‌اند. با توجه به ملاحظات اجتماعی نمی‌توان (یا ابدا مال گرایی صرف) خواستار حذف حرفه دستفروشی به دلایل نامولد بودن شغل و ایجاد مزاحمت برای عموم بود و واقعیت تلخ فقر و بیکاری را نادیده گرفت. از طرفی تداوم وضعیت کنونی در ایران فقط سبب نهادینه شدن قانون گریزی و کمک به خلق و استحکام شبکه ارتباطی نامألم بین اقتصاد رسمی و غیررسمی می‌شود. از طرفی دیگر تأیید بدون شرط این پدیده نه‌تنها سبب بی‌نظمی و هرج و مرج در بازار خرده‌فروشی شده و حجم مبادلات اقتصادی غیررسمی را افزایش می‌دهد، بلکه به جهات بهداشتی و امنیتی نیز مشکل‌زاست. افزایش بی‌رویه تجارت‌های کوچک معاف از مالیات و معاف از هزینه‌هایی از قبیل اجاره سبب ایجاد فضای نابرابر جهت رقابت‌های قیمتی بین فروشندگان خیابانی و فروشندگان رسمی می‌شود و در نتیجه به بی‌نظمی بیشتر می‌انجامد. راحل میانه در این مورد، قانونمند کردن دستفروشی و صدور مجوز کار محدود برای افراد با داشتن شرایط خاص و همچنین تعیین محدوده فعالیت برای آنهاست. در بسیاری از کشورها جهت ساماندهی این گونه مشاغل، فضاهایی خاص جهت اجاره با مبالغ بسیار اندک توسط شهرداری‌ها فراهم می‌شود. در این راهکار علاوه بر ایجاد امکانات برای خوداشتغالی افراد با کمترین هزینه، مسأله نازیبایی معابر و آلودگی صوتی نیز مرتفع می‌شود. این فضاها هم می‌توانند به صورت مکانی جدا که در آن مجموعه‌ای از دستفروشان حضور دارند، باشد (مانند بازارچه‌های نوروزی در ایران) یا مکان‌های مناسبی در معابر پرتردد و شلوغ البته باید اذعان داشت، نظام‌مند کردن دستفروشی راحل بلندمدت مناسبی نبوده و راهکار اصلی از بین بردن ریشه ایجاد این شغل و ایجاد فرصت‌های شغلی مناسب است. معمولا رواج هر چه بیشتر پدیده دستفروشی در کشورها زمانی رخ می‌دهد که نرخ افزایش جمعیت با نرخ رشد اقتصادی و اشتغالزایی همخوانی نداشته باشد. افزایش مهاجرت از روستاها و شهرهای کوچک به شهرهای بزرگ نیز از دیگر دلایل رواج بیشتر دستفروشی است. به بیان دیگر، رابطه عکس بین اندازه اقتصاد و درصد نیروی کار شهری مشغول به کار دستفروشی وجود دارد. به گونه‌ای که در برخی از کشورهای آفریقایی، بیش از ۲۰ درصد نیروی کار شهری عمدتا از راه دستفروشی ارتزاق می‌کنند. به صورت خلاصه این که مشکل انبوه جمعیت فعال بیکار (افراد ۱۵ تا ۶۵ ساله بیکار) با رسمی کردن دستفروشی حل نخواهد شد اما اندکی مرتفع می‌شود. باید بیشتر به برنامه‌های بلندمدت پرداخت و به‌خصوص به ممیزات سیاست‌های جمعیتی کنونی به فکر کار و اشتغال فرزندان در آینده نیز بود.

رفع اثرهای مخرب اقتصاد زیرزمینی، چگونه؟

محسن یزدخواه
کارشناس اقتصادی

چه بخواهیم چه نخواهیم حضور دستفروش‌ها در اقتصاد غیررسمی غیرقابل انکار است و مهم‌ترین دلایلی که موجب شکل گیری این پدیده می‌شود، بی‌سوادی و بی توجهی به حقوق مالکیت است. در سمتی دیگر اما نابرابری‌های بسیار شدید در حوزه اقتصاد سیاسی است که موجب رشد دستفروشی و اقتصاد زیرزمینی خواهد شد. سومین نکته که در فراهم کردن این سبک از اقتصاد نقش دارد، ناتوانی دولت‌ها در ایجاد بستر و انگیزه برای شکوفایی فعالیت‌های مولد در کشور است؛ همچنین این که فشار گسترده موجب می‌شود که در واقع افراد فعال برای دور زدن و خلاص شدن از مزاحمت‌های دولتی به این سمت و سو هجوم بیاورند. عدم ایجاد مشاغل مولد و پایدار که به بی‌توجهی دولت‌ها بازمی گردد از جمله این دلایل است که مهاجرت روستاییان و اجبار ضعیف سیاست‌های کلان را نیز شامل می‌شود. چنانچه دیده می‌شود به تدریج جمعیت روستایی ما با هر سرشماری کاهش پیدا می‌کند و کشاورزان هم نمی‌توانند تأمین معاش حداقلی داشته باشند و به شهرها هجوم می‌آورند. آنها در حاشیه شهر سکونت می‌کنند که این حاشیه‌نشینی ناهنجاری‌های اجتماعی و فرهنگی به همراه دارد. این قشر از جامعه تنها راه‌برای گذران امور خود از مسیر شرافتمندانه را همین شغل دستفروشی می‌بینند. نکته دیگر این که در کوتاه‌مدت این اقتصاد غیررسمی به مانند یک ضربه‌گیر و ممسکن عمل می‌کند. اینها برای امرار معاش فعالیت‌های سالمی نیاز دارند اما در درازمدت درواقع عواقب بسیار خطرناکی برای دولت‌ها ایجاد می‌کنند؛ مثلا موجب کاهش درآمدهای دولت می‌شوند، زیرا این افراد برای پرداخت مالیات شناسایی نمی‌شوند و تحت نظام رفاه و تأمین اجتماعی قرار نمی‌گیرند. در نتیجه این موضوع موجب بی‌ثباتی در آینده آنها و طبقه بزرگی از جامعه می‌شود. نکته دیگر این که استانداردهای کار آنها اشرافی ندارد و همین باعث ایجاد خطر برای سلامت جامعه خواهد شد. این نکته در فعالیت‌های زیرزمینی در حوزه غذا و دارو نیز بسیار مهم و حیاتی به نظر می‌رسد که سلامت جامعه را تهدید می‌کند. دیگر آن که این موضوع در حوزه بهره‌وری نیز می‌تواند قابل تفسیر باشد؛ این اقتصاد غیررسمی نقشی در بالابردن آن و حوزه‌هایی مرتبط ندارد. برخی معتقدند دستفروشان در نظام توزیع و سیستم خرده‌فروشی تأثیر گذارند اما باید اشاره کرد که این تنها در کوتاه‌مدت می‌تواند اثرگذار باشد، زیرا در کشورهای توسعه‌یافته اکثر مردم برای خرید به دنبال بازارهایی به نام «مال» هستند، چون زمان ندارند و تنها این فروشگاه‌ها برایشان قابل اطمینان هستند. پس در این مقوله نیز دستفروشان اثرگذاری بالایی ندارند. به عنوان راهکاری برای گریز از این پدیده باید اشاره کرد که بسترهای اشتغال مولد باید ایجاد و فضای کسب و کار تجهیز شود تا نگرانی‌های مردم از فشارهای دولتی و فسادها کاسته شود. به‌طور طبیعی روند اقتصادی با اشتغال مولد اثرگذاری فراوانی دارد. در مجموع می‌توان گستره این قشر را کاهش داد ولی باید بحث آمایش سرزمین نیز به جدیت پیگیری شود و به توسعه روستاها نیز کمک کرد. در آخر باید گفت که مقابله با این پدیده تنها با شکل گیری یک اراده ملی موجب سازماندهی و کاهش حداقلی دستفروشان خواهد شد.

بررسی پدیده دستفروشی در گفت‌وگو با میثم هاشم‌خانی، پژوهشگر اقتصاد اجتماعی

توسعه «دستفروشی قانونی» ضروری است

به دستفروشان قانونی نگاه کنیم

شهروند| هرچند سابقه دستفروشی در ایران به گذشته‌های دور بازمی‌گردد، اما رشد چشمگیر این پدیده طی سال‌های اخیر که با بحران اقتصادی اخیر نیز همراه بوده به‌عنوان یک پدیده خاص مورد توجه قرار گرفته است. در تمام ایام سال و در تمام سطح خیابان‌ها و گذرها دستفروشان حضور دارند که تعداد آنها در ایام خاص مانند زمان بازگشایی مدارس و عید نوروز چند برابر می‌شود.

در شرایطی که اقتصاد کشور توانایی ایجاد شغل به میزان تقاضا را ندارد، همین پدیده دستفروشی بسیاری از جوانان این کشور را هرچند غیرپایدار شاغل کرده است. اما در این میان برخی از مردم این دستفروشان، راه‌حل آسایش خود می‌دانند و از سوی دیگر برخی از مغازه‌داران آنها را مانع کسب و کار تلقی می‌کنند.

بر همین اساس آسیب‌شناسی پدیده دستفروشی و نحوه مواجهه و برخورد با آن به موضوعی مهم تبدیل شده است چرا که هم‌اکنون بخشی از شاغلان را در برمی‌گیرد. در همین زمینه با «میثم هاشم‌خانی» اقتصاددان و پژوهشگر اجتماعی به گفت‌وگو نشستیم تا ضمن بررسی تبعات مثبت و منفی دستفروشی بهترین شیوه برخورد با آن را در شرایط خاص اقتصاد ایران شناسایی کنیم. گفت‌وگوی «شهروند» با میثم هاشم‌خانی را در ادامه می‌خوانید.

تبعات رکود اقتصادی سال‌های اخیر ایران در کدام قشر جامعه بیشتر بوده است؟ آیا موافقید که تأثیر رکود اقتصادی بر اقشار آسیب‌پذیرتر، بیشتر بوده است؟

متاسفانه بخش بزرگی از بار اقتصادی تحریم‌های ظالمانه سال‌های اخیر، بر دوش آسیب‌پذیرترین گروه‌های جامعه بوده است. اتفاقات فاجعه‌بار و دردناکی مانند خودسوزی دستفروش خرمشهری یکی از هموطنانمان در اوایل سال جدید، نماد تلخ درماندگی میلیون‌ها خانوار گروه آسیب‌پذیری است که در سال‌های اخیر، فشار معیشتی بسیار سنگینی را تحمل کرده‌اند و به‌علاوه هیچ مجرایی هم برای طرح مصیبت‌های اقتصادی خود نداشته‌اند اما اگر بخواهیم قدری دقیق‌تر توضیح دهیم باید اشاره کنیم که آسیب‌پذیری شدیدتر خانوارهای محروم، از رکود اقتصادی ناشی از فقدان «درآمدنانی از سرمایه‌گذاری» در خانوارهای آسیب‌پذیر و در نتیجه‌ولسنگی کامل این خانوارها به «درآمدنانی از اشتغال» است. بنابراین هر نوسانی در بازار اشتغال، به سرعت به تلاطم شدید در وضع معیشت خانوارهای آسیب‌پذیر منجر می‌شود.

در واقع به دلیل تحریم‌های ظالمانه و نیز سوءمدیریت‌ها، تعداد کل شغل‌های موجود در کشور در فاصله سال‌های ۱۳۸۶ تا ۱۳۹۲، تقریبا هیچ رشدی نداشته و در حوالی ۲۱ میلیون شغل ثابت مانده است. این مسأله در کنار رشد مستمر جمعیت جویای کار، باعث شده که از یک طرف خانوارهای آسیب‌پذیر موقعیت‌های شغلی کمتری داشته باشند و از طرف دیگر قدرت چانه‌زنی آنها در زمینه دریافت دستمزد کاهش یابد (به دلیل افزایش «هزاران افراد جویای شغل»).

براساس پژوهش‌های مختلف، یکی از نتایج تشدید فشار اقتصادی بر خانوارهای آسیب‌پذیر، آن است که باعث می‌شود این خانوارها به سرعت هزینه‌های آموزش و سلامت را از سبد هزینه‌های خود خارج کنند. برای مثال در پژوهش اخیری که بنده به همراه چند اقتصاددان جوان دیگر انجام دادیم، براساس نتایج پیمایش «بودجه خانوار» مرکز آمار ایران برآورد کردیم که در استان‌های سیستان‌وبلوچستان، کردستان، خراسان‌جنوبی و بوشهر، حدود ۷۰ درصد خانوارهای دارای دانش‌آموز، ماهانه زیر هزار تومان به آموزش دانش‌آموزان خود اختصاص داده‌اند.

این مسأله از یک طرف پدیده «به ارث رسیدن فقر» را تشدید می‌کند؛ از طرف دیگر ریسک رشد انواع جرم و ناهنجاری‌های اجتماعی را پدید می‌آورد و در کنار اینها فجایعی را از جنس فاجعه تلخ واشک‌بار خودسوزی دستفروش خرمشهری ۳۲ ساله با دو فرزند ایجاد می‌کند. بنابراین بسیار منطقی است که در عصر پساتحریم، یکی از کلیدی‌ترین اولویت‌های ما، اصلاح سیاست‌های مرتبط با فقرزدایی در کشور باشد؛ از سیاست‌های کلان فقرزدایی گرفته تا سیاست‌های خرد مانند قوانین ناظر بر فعالیت دستفروشان.

صرف‌نظر از اصلاح سیاست‌های کلان فقرزدایی، برای اصلاح سیاست‌های خرد مربوط به «قوانین ناظر بر دستفروشی»، چه تدبیری می‌توان اندیشید؟

به نظر می‌رسد که در حال حاضر، برخی از سیاست‌های مادر قبل هموطنان زحمتکش دستفروش، به سمت برخوردهای «غیرواقع‌بینانه» سنخ رفته‌اند؛ این مسأله آ ریشه کلیدی دارد. اولا متاسفانه در «افکار عمومی» خود، قشر دستفروشان را یک قشر غیرمولد و دارای «شغل کاذب» می‌نامیم. ثانیا در «قوانین سیاست‌گذارانه» ما، این هم‌مکانیزم شفافی برای حضور رسمی افراد در این حوزه تعریف نکرده‌ایم. باید از خود بپرسیم که اگر فردی به لحاظ سرمایه مالی و سرمایه انسانی (شامل سطح آموزش و امثالهم) نمی‌تواند منبع معیشت مشروع دیگری جز دستفروشی داشته باشد، آیا «امکان پذیر» است دستفروشی را برای او ممنوع کنیم؟ و با فرض امکان‌پذیر بودن، آیا چنین کاری اخلاقا صحیح است؟

تصور می‌کنم اگر ما قبول داریم در زمانی که هم عرضه و هم تقاضا به میزان نسبتا بالایی در حوزه دستفروشی وجود دارد، به هیچ عنوان واقع‌بینانه و امکان‌پذیر نیست که دستفروشی را به‌طور کامل ممنوع کنیم. اصلا فرض کنیم بتوانیم یک مکانیزم حجیم نظارتی ایجاد کنیم که قادر باشد از دستفروشی در همه جای کشور جلوگیری کند. این اتفاق، به معنای آن است که در غیاب وجود اشتغال کافی، گروهی از خانوارهای آسیب‌پذیر را مجبور می‌کنیم که به سمت راه‌های غیرمشروع برای کسب درآمد بروند.

شما به ۲ مولفه «فکار عمومی» و «قوانین سیاست‌گذارانه» اشاره کردید. در حوزه افکار عمومی، چه اصلاحی باید در زمینه نگرش نسبت به دستفروشان صورت گیرد؟

در حوزه افکار عمومی، کنش منطقی و اخلاقی این است که تک‌تک ایرانی‌ها به‌ویژه صاحبان تریبون‌های رسانه‌ای، توجه کنیم که دستفروشان، به معنای خرده‌فروشی که وسع مالی پرداخت اجاره برای یک مغازه را ندارند، شغلی دقیقا از جنس مغازه‌داران دارند. دستفروشان مشابه مغازه‌داران به «توزیع» و «تسهیل مصرف» کالاها و خدمات کمک می‌کنند. براساس مبانی «اقتصاد خرد»، فرایند «توزیع» و «تسهیل مصرف» مکمل و رونق‌بخش فرایند «تولید» کالا و خدمات بوده و هر دو در ست مشابه یکدیگر ارکان تشکیل دهنده تولید خاص ملی هستند.

از طرف دیگر، دستفروشان، به دلیل سرعت بالا در جابه‌جایی مکانی و نیز سرعت در تغییر نوع کالای فروشی خود، می‌توانند سطح رقابت در بخش خرده‌فروشی را افزایش داده و به تسهیل بیشتر مصرف کمک کنند. برای مثال مالکان بسیاری از مغازه‌های فروش لباس می‌دانند که اگر قیمت فروش را بیش از حد بالا برده یا تنوع لباس‌هایشان پایین بیاید، به سرعت با رقابت بالقوه دستفروشان مواجه خواهند شد. بنابراین به هیچ عنوان منطقی نیست که در رسانه‌ها افکار عمومی، دستفروشی را به‌عنوان شغلی غیرمولد یا کاذب نامگذاری کنیم.

در حوزه قوانین سیاست‌گذارانه چطور؟ به نظر شما قوانین مربوط به فعالیت دستفروشانی که کسب و کاری از جنس سایر خرده‌فروشان دارند (با تفاوت در زمینه توانایی مالی اجاره مغازه)، چگونه باید اصلاح شود تا هم حقوق دستفروشان رعایت شود و هم حقوق شهروندانی که بعضاً از سروصدای دستفروشان شکایت دارند؟

در حوزه قوانین سیاست‌گذارانه، مقدمتا باید توجه کنیم در شرایطی که اقتصاد کشورمان بنا به دلایل مختلف با محدودیت شدیدتر منابع برای سرمایه‌گذاری مواجه است، برای تولید شغل، چاره‌ای جز پذیرش تولید مقدار زیادی شغل با سطح «سرمایه -بری» نزدیک به صفر (مانند دستفروشی) وجود ندارد. در واقع وقتی که زمینه مناسب برای ایجاد حداقلی از استانداردهای معیشتی برای گروه‌های آسیب‌پذیر اندازیم، بسیار غیرمنصفانه است که راه‌های مشروع آنها برای کسب درآمد را مسدود کنیم. با پذیرش این مقدمه، در راستای رسمی‌سازی و نظم‌بخشی به دستفروشی و هدایت آن به سمت کمک به توسعه پویایی و رقابت در سطح خرده‌فروشی، چهار پیشنهادمی‌توان ارایه کرد.

اول) وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی، باید دست کم تا زمان احیای کامل رشد اقتصادی کشور، زمینه لازم برای توسعه «دستفروشی رسمی» را فراهم کند. در این زمینه، پیشنهاد کاربردی آن است که متقاضیان کارت رسمی دستفروشی، بتوانند با پرداخت رقمی در سطح ۵۰ تا ۱۰۰ هزار تومان، ظرف ۲۴ ساعت، مجوز رسمی عکس‌دار یک‌ساله برای دستفروشی در یک شهر خاص دریافت کنند. نام این مجوز هم بهتر است «خرده‌فروشی سیار» باشد.

دوم) شهرداری تهران، باید دست کم تا زمان احیای کامل رشد اقتصادی، مکان‌های ویژه‌ای را در هر ایستگاه مترو برای حضور دستفروشان مشخص کرده و به‌علاوه واگن‌های مشخصی را در هر قطار مترو به واگن‌های «دستفروشی ممنوع» تبدیل کرده و دستفروشی با همان «خرده‌فروشی سیار» را در بقیه واگن‌ها آزاد بگذارد. چنین سیاستی باعث می‌شود که هم حقوق شهروندانی که خریدار دستفروشان در مترو برایشان جالب است رعایت شود و هم کسانی که تمایلی برای خرید از دستفروشان ندارند. به‌علاوه در صورت برقراری چنین رویکرد شفافی، دیگر مامورانی شریف شهرداری در مترو‌ها، در معرض اتهام دریافت رشوه از برخی دستفروشان برای اجازه فعالیت دادن به آنها قرار نمی‌گیرند.

سوم) شهرداری‌های تمامی شهرها، باید «دستفروشی» یا همان «خرده‌فروشی سیار» را به شرط عدم ایجاد آلودگی صوتی، در همه مکان‌ها جز مکان‌هایی که خود شهرداری‌ها با نصب تابلوی مشخص اعلام می‌کنند، به رسمیت بشناسند. طبیعتا با نصب این تابلوها، علاوه بر نظم‌بخشی به «دستفروشی رسمی»، کار مامورانِ شهرداری نیز آسان‌تر می‌شود.

چهارم) شهرداری‌ها توجه ویژه‌ای به توسعه مکان‌های ویژه برای خرده‌فروشان سیار فروشنده محصولات مختلف به خرج داده و زمینه را برای آسان‌سازی حضور خرده‌فروشان سیار در این مکان‌ها فراهم کنند.

صاحبان محترم چلوکبابی‌ها، سالن های غذا خوری، سفره خانه‌های سنتی و اغذیه فروشی‌های زنجیره‌ای
آیا می‌دانید از ابتدای سال ۹۴ مشمول اجرای قانون مالیات بر ارزش افزوده شده‌اید؟ برای ثبت نام به نشانی اینترنتی (www.evat.ir) مراجعه نمایید.
۱۸۲۲ مرکز ارتباط مردمی سازمان امور مالیاتی کشور
روابط عمومی سازمان امور مالیاتی کشور
م الف/۱۵۸